

**صغری خیل فرهنگ**

**الهام مولایی** متولد تهران است و همسر شهید مهدی عسگری از شهیدهای مدافع حرم، او از همراهی با رزمنده پاسداری بر ایمان روایت می‌کند که هنگام ازدواجشان شرط کرده بود می‌خواهد عمرش را صرف خدمت به اسلام کند. شهید عسگری از خانواده‌ای بود که دین خود را به انقلاب و اسلام در سال‌های دفاع مقدس ادا کرده بودند. زین العابدین عسگری برادر این شهید در کربلای ۵ آسمانی شده بود و اکنون برادر کوچک‌تر اسلحه‌مستر کمان را برمی‌داشت تا در آوردگاهی دیگر حماسه آفرینی کند. گفت و گوی ما با همسر این شهید بزرگوار را پیش رو دارید.

**شهید عسگری در نیروی دریایی سپاه مشغول بود، زندگی با یک نظامی که دائم در مأموریت بود چه حال و هوایی داشت؟**

بله ایشان در نیروی دریایی قشم فعالیت می‌کرد و بعد از یکی دو سال به تهران و بعد هم به کرج منتقل شد. وقتی با ایشان آشنا شدم، در همان آغازین ساعات هم‌کلامی‌مان تکلیف زندگی مشترکمان را معلوم کرد. آقا مهدی شرط کرد: اگر یک زمانی آقا دستور بدهند و جایی نیاز به جهاد باشد من خواهم رفت. شما با این شرط من موافقت می‌کنید یا خیر؟! شاید باور تان نشود، یکی از معیارهای ازدواج من هم این بوده؛ وقتی این موضوع از طرف مهدی مطرح شد، با جان و دل پذیرفتم و گفتم باید اینطور باشد! اگر غیر از این بود من در انتخاب شما شک می‌کردم. آقا مهدی از همان زمان به من می‌گفت من بیش از ۴۰ سال عمر نمی‌کنم و مطمئن هستم که در جهاد شهید می‌شوم و از خدا می‌خواهم که شهید بشوم. من و آقا مهدی ۲۰ مرداد ماه سال ۱۳۸۵ با هم عقد کردیم و تا زمان شهادتش در ۲۷ خردادماه سال ۱۳۹۵ مصادف با ماه مبارک رمضان در کنار هم بودیم. مهدی یک هفته بعد از عقد به مأموریت رفت. ۲۰ روز آنجا بود و ۱۰ روزی هم اینجا پیش ما. من با کارش مشکلی نداشتم. شغل پاسداری‌اش را دوست داشتم و با نبودن‌هایش می‌ساختم.

**وقتی گفت بیشتر است از ۴۰ سال عمر نمی‌کند برایتان نگران‌کننده نبود؟**

نه؛ فکر نمی‌کردم که شاید این اتفاق واقعاً بیفتد. از طرفی نگران نبودم چون باور دارم عمر دست خدا است. خانواده من و خانواده آقا مهدی با مفهوم ایثار و شهادت آشنا بودند. عمومی من علی‌الله مولایی سال ۱۳۶۴ در دفاع مقدس به شهادت رسیده بود. برادر آقا مهدی، زین‌العابدین عسگری هم در کربلای ۵ در سال ۱۳۶۴ آسمانی شده بود.

**اینکه شهید از نظر شغلی دائم در مأموریت بود، باعث شد که تمرینی برای نبودهن همیشگی‌شان باشد؟**

از جهاتی می‌شود گفت همین طور است که شما می‌گویید. من از همان ابتدا عادت به نبودنش داشتم. آقا مهدی مدت دو سالی در قشم بود. دیر به دیر به خانه می‌آمد. هر چند وقتی برمی‌گشت به قدری از همه جهات محبت به من داشتم و همراهی می‌کرد که نبودن‌هایش حیران می‌شد. اینطور باید برایتان بگویم که حتی بعد از شهادت آقا مهدی هیچ حس جدیدی ندارم. امروز که به آن روزها فکر می‌کنم با خود می‌گویم همه آن ایام تمرینی بود برای روزهای بعد از شهادتش.

**گفت‌وگویی «جوان» با الهام مولایی، همسر شهید مدافع حرم مهدی عسگری**

# دغدغه آقا مهدی رفتن نبود، چگونه رفتن بود

**دل‌تنگی‌هایم ده‌ها کتاب می‌شود**

ایشان برای آموزش برنامه‌ریزی داشت، مثلاً وقتی می‌خواست روغن یا لاستیک ماشین را عوض کند من را صدامی کرد و می‌گفت ببینا نگاه کن یاد بگیر که اگر من نبودم بتوانی به راحتی این کارها را انجام بدهی. شاید بعد از من کسی کمکت نباشد.

**پس شما را آماده شهادتش کرده بود، اما به نظر شما چرا باید یک کسی مثل آقا مهدی با زندگی خوبی که داشت داوطلبانه راهی میدان جنگ می‌شد؟**

اولین چیزی که باعث شد که آقا مهدی راهی شود غیرت دینی‌اش بود. می‌گفت زمانی که من به حرم می‌تفاوت باشم زمانی خواهد بود که غیرت خودم را از دست داده باشم. یکی دیگر از علت‌هایی که مهدی را برای رفتن مصمم‌تر کرد، مهربانی بیش‌از حدایشان نسبت به آدم‌های روی زمین بود. وقتی بچه‌های سوره به را نگاه می‌کرد در نگاه‌های خودش رادر آن وضعیت می‌دید که در شرایط سخت و پرمشقت روزگار می‌گذرانند. آقا مهدی می‌گفت نمی‌توانم تصور کنم که فرقی بین نازنین فاطمه من با بچه‌های سوره به باشد. می‌گفت الان یکی از دغدغه‌های شیعه حرم است و این را از خیلی ناراحت می‌کند. جهاد و دفاع از مسلمانان یکی از بزرگ‌ترین وظایفم است. همسرم از لحاظ بدنی خیلی قوی و ورزش‌زیده بود. هم‌زمانش می‌گفتند در این بدن تیر نمی‌رود. وقتی این تعریف را می‌شنید در پاسخ دوستانتش می‌گفت: این بدن باید در راه اهل بیت خرج شود. این بدن برای من نیست.

**اولین بار کی حرف از رفتن زد؟ راضی کردن شما کار سختی بود؟**

از بهار سال ۱۳۹۰ رزمه‌های رفتن آقا مهدی به گوش می‌رسید. من با اینکه فوق‌العاده آمادگی داشتم اما خیلی ناراحت شدم، طوری که نمی‌توانستم جلوی اشک‌هایم را بگیرم. مخالف رفتنش نبودم اما گریه می‌کردم و نمی‌گذاشتم مهدی متوجه گریه‌هایم شود. این غم و اندوه با من بود تا زمان شهادتش. یعنی پنج سال تمام. ابتدا من خیلی جدی مخالفت نکردم اما هر بار به زنی‌ام می‌اوردم، من بهانه‌ای می‌آوردم. آن زمان خدا نازنین فاطمه را هنوز به ما نداده بود. من گفتم ما هنوز بچه‌ای نداریم خیلی کارها مانده... اما ایشان گفت از تنها کسی که انتظار ندارم مخالف رفتن باشد شماید. اگر شما پشتم نیاشید من دیگر به هیچ جا پشتم گرم نیست. حرف شما امروز من را یاد یاران امام حسین (ع) در سال ۶۱ هجری می‌اندازد، که پشت امام حسین را خالی کردند و هر کسی بهانه‌ای آورد؛ یکی گفت ز من دارم یکی گفت بدهی دارم... می‌گفت: اینها بهانه است. من هم به خودم آدم و تلنگری به خودم زدم و گفتم که اگر امثال آقا مهدی نروند پس چه کسی قرار است برود. اگر از حریم زینب (س) دفاع نکنند من در آینده قرار است چه جوابی بدهم؟ دیگر نمی‌توانم در ایام محرم گریه کنم. همه گریه‌ها الکی و عزاداری‌ها ظاهری می‌شود.

مدافعان حرم رفتند تا بند بن‌ذیارت عاشورا را به منصف ظهور برسانند؛ یا لیتنی کتا معک‌ها را عملی کنند. من اگر، اگر‌های خیلی زیادی با خود گفتم که اگر مهدی را از دست بدهم چه اما یاد عاشورا همه حال و هوایم را تغییر می‌داد. آن ایام چنان برای ابا عبدالله (ع) مانم می‌گفتم که گویی یکی از نزدیکانم را از دست داده‌ام. اما دیگر وقت عمل رسیده است شاید باور نکنید اما خودم دائم پیگیر کار‌هایش می‌شدم که آقا مهدی رفتن چی شد و... در صورتی که از دل راضی نبودم.



هیچ کس راضی نیست همسرش را از دست بدهد اما اعتقاد داشتم عمر دست خدا است. وقتی کاسه عمر پر شود، فرقی نمی‌کند تهران باشی یا سوره‌به. می‌روی. هیچ چیزی دست من نبود. واقعاً مطمئن هستم اجازه مدافع حرم شدنش به دستان متبرک خاتم حضرت زینب (س) بود. ایشان اجازه مهدی را صادر فرمودند. اولین بار ۲۰ خرداد ماه سال ۱۳۹۴ راهی شد، شاید صدمین بار بود که او را از زیر قرآن برای مأموریت‌هایش رد می‌کردم ولی این بار خداحافظی برام رنگ دیگری داشت و بعد از دو مرحله اعزام به درجه رفیع شهادت رسید.

**دل‌کنندن از فرزند خیلی سخت است، رابطه شهید با فرزندش چطور بود؟**

دل‌کنندن از فرزندمان برایش خیلی سخت بود. دقیقاً بعد از به دنیا آمدن دخترمان نازنین فاطمه آقا مهدی دیگر آقا مهدی قبل نبود. خیلی ما هنوز بچه‌ای نداریم خیلی کارها مانده... اما ایشان گفت از تنها کسی که انتظار ندارم مخالف رفتن باشد شماید. اگر شما پشتم نیاشید من دیگر به هیچ جا پشتم گرم نیست. حرف شما امروز من را یاد یاران امام حسین (ع) در سال ۶۱ هجری می‌اندازد، که پشت امام حسین را خالی کردند و هر کسی بهانه‌ای آورد؛ یکی گفت ز من دارم یکی گفت بدهی دارم... می‌گفت: اینها بهانه است. من هم به خودم آدم و تلنگری به خودم زدم و گفتم که اگر امثال آقا مهدی نروند پس چه کسی قرار است برود. اگر از حریم زینب (س) دفاع نکنند من در آینده قرار است چه جوابی بدهم؟ دیگر نمی‌توانم در ایام محرم گریه کنم. همه گریه‌ها الکی و عزاداری‌ها ظاهری می‌شود.



**گفت‌وگویی «جوان» با الهام مولایی، همسر شهید مدافع حرم مهدی عسگری**

# دغدغه آقا مهدی رفتن نبود، چگونه رفتن بود

**دل‌تنگی‌هایم ده‌ها کتاب می‌شود**



وقتی دخترم زمین می‌خورد همه می‌دویدیم اما مهدی حرکتی نمی‌کرد می‌خواست از تعلقات دنیایی دور شود و این به رغم میل باطنی‌اش بود. اما دخترم اولین کلمه‌ای که بر زبان آورد «بابا» بود. هر زمان می‌گفتمم بگو مامان می‌گفت: «بابا». با اینکه نازنین فاطمه مدت کوتاهی با پدرش بود و خیلی کم ایشان را می‌دید، اما به پدرش وابسته بود.

**از جنبه سوریه به‌هم در تماس بودید؟**

جالب است برایتان بگویم که وقتی به سوره می‌رفت گویی ما را فراموش کرده باشد. تماسی نمی‌گرفت تاکنند حالش خراب شود و دل‌تنگی به سراغش بیاید. خیلی عجیب بود وقتی من اصرار روزی ۱۰ بار تماس می‌گیرید و از حال ما باخبر می‌شوید، اما وقتی می‌روی منطقه، یک بار هم زنگ نمی‌زند، انگار نه انگار؟! آقا مهدی می‌گفت: خیلی سرم سلوغ است. به من می‌گفت سوریه تنها جایی است که از همه چیزش لذت می‌برم.

**گویا تصاویر شهادت ایشان زودتر از خبر شهادتش منتشر شده بود؟**

تصویر پیکر مهدی را النصره روی سایت گذاشته بود. همه دوستان و آشنایان دیده بودند. خواهرم

خیلی سخت است. اگر از این سختی‌ها و دل‌تنگی‌ها بخواهی ده‌ها کتاب بنویسی باز هم جا دارد. اما آنها هستند، حضور دارند؛ این را می‌شود از کمک‌های غیبی‌شان متوجه شد. که اگر شهدا امروز ما راها کنند ما غم‌ه‌ه و سنگینی این غم‌ذق می‌کنیم. مردن با شهادت خیلی فرق می‌کند. مردن خیلی زود فراموش می‌شود اما شهادت هر روز برایت تازه‌تر می‌شود و خاطرات همسرت برایت زنده می‌شود. اما یک فرق دیگر در این میان وجود دارد که ما با آنکا به زنان دشت کربلا و با دستان خودمان همسرانمان را راهی میدان جهاد و آنها را کربلایی می‌کنیم. راهی می‌کنیم. زندگی مشترک ۱۰ ساله‌ام با مهدی سراسر رضایت بود و خاطره و عشق و شور... مهدی راضی بود امیدوارم خدا از او راضی باشد، ان‌شاءالله که در مراحل رشد نازنین فاطمه روح پاکش باورم باشد.

### گزارش

جاذبه‌های دفاع مقدس باز دیدکنندگان کشورهای دیگر را

به ایران می‌کشاند

## ۵هزار زائر خارجی در اردوهای راهیان نور

**■ احمد محمدتبریزی**

سفر به مناطق عملیاتی دفاع مقدس که با عنوان راهیان نور از آن یاد می‌شود به یکی از مقاصد و اماکن گردشگری کشور تبدیل شده است که مسافران ضمن بازدید از کربلای جبهه‌های ایران، بخش‌هایی از تاریخ معاصر کشورمان را نیز مرور می‌کنند. هر چه از سال‌های منتهی به پایان جنگ فاصله می‌گیریم اهمیت اردوهای راهیان نور برای عموم مردم بیشتر مشخص می‌شود و علاقه‌مندان زیادی به سوی این مناطق رهسپار می‌شوند. تعطیلات نوروزی یکی از فرصت‌های مناسب برای بازدید از مناطق عملیاتی و جنگی دفاع مقدس است و هر ساله بازدیدکنندگان زیادی را به سوی خود می‌کشاند. بازدیدکنندگانی که دوست دارند بدانند فرماندهان و شهدای دفاع مقدس در چه منطقه و موقعیتی مقابل دشمنان به دفاع از میهن پرداختند و با این مشاهده به درکی از شرایط آن روزهای تاریخی و طلابی برسند.

به گزارش «جوان» چند سالی می‌شود که جاذبه اردوهای راهیان نور به فراتر از مرزها رفته است و مسافران خارجی که به تاریخ ایران علاقه‌مند هستند را به سوی مناطق عملیاتی غرب و جنوب کشور می‌کشاند. جنگ هشت ساله ایران و عراق، حرف‌ها و ناگفته‌های زیادی برای بازگو کردن دارد و هر کسی که مطالعه‌ای درباره تاریخ دفاع مقدس داشته را به خود علاقه‌مند می‌کند.

مسافران خارجی که نامی از این جنگ هشت ساله به گوششان خورده، در کنار بازدید از طبیعت و آثار تاریخی ایران، بازدید از مناطق عملیاتی را هم در برنامه‌شان می‌گذارند تا از این تجربه شگرف و بی‌نظیر بی‌نصیب نمانند. مشاهده این مناطق برای بسیاری از

خود می‌دانم. این زائر شهید شاطری معروف



بازدیدکنندگان خارجی جذابیت‌های زیادی دارد و آنها را با سیر و سلوک عاشقانه مردمان مشرق زمین آشنا می‌کند.

سردار یعقوب سلیمانی مسئول سازمان اردوین راهیان نور و گردشگری بسیج با اشاره به حضور زائران خارجی در مناطق عملیاتی دفاع مقدس می‌گوید: با توجه به اینکه راهیان نور در طول سال برگزار می‌شود، زائران خارجی نیز در مناطق عملیاتی دفاع مقدس حضور پیدا می‌کنند که امسال شاهد حضور زائران خارجی ۵۴ کشور در اردوهای راهیان نور بودیم. راهیان نور هم چندین سال است که فراملی شده و در جغرافیای ایران خلاصه نمی‌شود و هر ساله ما شاهد حضور زائران خارجی هستیم که در چند بخش حضور پیدا می‌کنند. بخشی حضور سازماندهی شده دارند و بخشی به عنوان نیروهای مردمی و خودجوش حضور پیدا می‌کنند.

توجه گزارش‌هایی که از اردوهای راهیان نور به دست آمده، در سال گذشته افزایش یافته رو به فزونی برود. مسائل پیش آمده در منطقه خاورمیانه و جنایت تکفیری‌ها موجب حق خواهی را در مردم ملل دیگر خروشان می‌کند و آنها را برای مطالعه سرگذشت دفاع مقدس را از نزدیک مشاهده کرده‌اند. سردار نادر ادیبی دبیر ستاد مرکزی راهیان

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۰۶۳

			۷	۴	۹	
				۶		
		۱	۹		۶	
		۵		۸		
				۴		
		۳		۷		
			۵	۳		
		۸		۳		
				۹	۲	۸

### جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه‌درسه فقط یک‌بار به کار روند.

### جدول کلمات متقاطع

**■ پاسخ جدول شماره ۵۰۶۲**

۷	۸	۸	۶	۵	۷	۱	
۸	۷	۶	۵	۸	۱	۵	۷
۵	۱	۵	۸	۷	۸	۷	۶
۷	۵	۸	۷	۱	۶	۸	۸
۱	۶	۵	۸	۷	۵	۸	۸
۸	۸	۷	۵	۸	۱	۶	۷
۵	۸	۷	۶	۱	۸	۷	۵
۸	۸	۸	۱	۶	۵	۷	۵
۶	۷	۱	۷	۸	۵	۸	۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

### از بالا به پایین

۱- شهر اول مسلمانان - زیرکی - ترموستات ■ ۲- نوازنده - پایتخت آلبانی - فرمولی برای مسابقات اتومبیلرانی ■ ۳- گاز متفرق‌کننده جمعیت معترض - عمامه ■ ۴- دانه گوشتی بر پوست بدن - رفتار با دشمنان از دیدگاه حافظ - پاسبان و شبگرد ■ ۵- مساوی - دستی - پایتخت مالی ■ ۶- بندری مهم در مصر - زبانه آتش ■ ۷- پاک و منزه - صدا - از رشته‌های رزمی ■ ۸- ترشی انار - پاکان - مادر لر ■ ۹- هنر شکل‌دادن به صفحات فلزی - تقویت رادیویی - از جبهه‌های جنگ تحمیلی ■ ۱۰- جاده قطار - لقب محمدتقی‌خان قراقرانی، نخستین صدراعظم ناصرالدین شاه ■ ۱۱- سوسیس - وارونه سری - از ما نهران ■ ۱۲- از غزوات پیامبر - منطاطیس - موجود تک‌سلولی ■ ۱۳- گلزن سابق تیم ملی فرانسه و چلسی - دستور کار ■ ۱۴- مغرور - دوستی که انسان رادر سختی تنها نمی‌گذارد - شهری در ترکیه ■ ۱۵- درخشش - یکی از ده فیلم برتر تاریخ سینما - ملیت نیکلای گوگل، نویسنده تاراس بولبا